

## A Comparative Study of Alternative Systems of Compensation for Physical Damages in Iranian and English Laws

Received: 21/07/2017; Accepted: 11/04/2020

Mahdi Chegeni<sup>1</sup>

Rasool Bahrampoori<sup>2</sup>

Saeed Siahbidi Kermanshahi<sup>3</sup>

### Abstract

In the legislator's point of view, compensation for physical damages is very important in a way that it has led to the creation of alternative compensation systems for physical damages so that the government itself shall compensate for such damages in cases where such damages are not paid by the offender or the insurer for any reason. In Iranian law, "Treasury" and "Physical damages compensation fund" are established as alternative compensation systems for physical damages, and in England, "Criminal injuries compensation authority" and "Motor insurers bureau" are responsible for this task with some differences. In Iran and England, alternative compensation systems for physical damages are comparable in regarding to the conditions and items for compensation, and in this article, these issues are examined comparatively through a descriptive-analytic method. As regards the conditions for compensation, in English law for compensating physical damages by alternative systems of compensation several conditions are predicted some of which are considered as the conditions for compensation in Iranian law; but most of these conditions are not conditions for compensation in law of Iran. Therefore, it is observed that the approach of Iranian law is an easier one for compensation of physical damages. In Iranian law, for determination of the responsibility of "treasury" in cases such as manslaughter or error of judges, mainly the attention is paid to the origin of the damage. In a similar vein, in cases where the "Physical damages compensation fund" is responsible for compensation of damages caused by traffic incidents, mostly this approach is followed. But English law, instead of considering the origin of damages, the attention is paid to the conditions and circumstances of the events.

**KeyWords:** The Principle of Compensation, Treasury, Physical Damages, Compensation for Crimes, Motor Vehicle Insurance.



1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University.

2. Ph. D. Candidate in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran (Corresponding Author): Email: rasoolbahrampoori@gmail.com

3 Ph. D. Candidate in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مطالعه تطبیقی نظام های جایگزین پرداخت خسارت های بدنی در حقوق ایران و انگلستان

مهدی چگنی<sup>۱</sup>

رسول بهرامپوری<sup>۲</sup>

سعید سیاه بیدی کرمانشاهی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت ۹۶/۰۴/۳۰ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۱/۲۳

### چکیده

جبران خسارات بدنی از منظر قانون‌گذاران بسیار با اهمیت است به نحوی که موجب ایجاد رویکرد تأسیس نظام‌های جایگزین پرداخت خسارات بدنی شده تا در مواردی که به هر علت این خسارات از سوی شخص خاطی یا بیمه‌گر وی جبران نشود، خود دولت این خسارات را جبران نماید. در حقوق ایران دو نهاد «بیت‌المال» و «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» به عنوان نظام‌های جایگزین جبران خسارت‌های بدنی پیش‌بینی شده‌اند و در انگلستان مشابه این وظیفه را با برخی تفاوت‌ها «اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم» و «اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری» بر عهده دارند. این نظام‌ها در ایران و انگلستان از جهت شرایط و موارد جبران خسارت قابل مقایسه هستند و در این مقاله موارد مذکور به شیوه توصیفی-تحلیلی و به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در انگلستان برای جبران خسارت‌های بدنی توسط نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت‌های بدنی شرایط متعددی پیش‌بینی شده است که برخی از شرایط مزبور، در ایران نیز از شرایط جبران خسارت محسوب می‌شود؛ لکن بیشتر این شرایط، در ایران از شرایط دریافت خسارت محسوب نمی‌گردد؛ لذا مشاهده می‌شود رویکرد حقوق ایران برای پرداخت خسارت‌های بدنی، رویکردی سهل‌گیرانه‌تر است. در حقوق ایران، برای تعیین مسئولیت بیت‌المال عمدتاً به منشأ خسارت توجه شده است؛ نظیر خطایی بودن قتل یا اشتباه قاضی، همچنین در مواردی که جبران خسارت‌های ناشی از حوادث رانندگی بر عهده صندوق تأمین خسارت‌های بدنی گذاشته شده است، عمدتاً همین دیدگاه دنبال می‌شود؛ لکن در حقوق انگلستان به جای توجه به منشأ زیان، به شرایط و اوضاع و احوال حادثه توجه می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** اصل جبران خسارت، بیت‌المال، خسارت‌های بدنی، جبران خسارت‌های ناشی از جرایم، بیمه وسایل نقلیه موتوری.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

rasoolbahrampoori@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.





## مقدمه

هنگامی که یک شخص به دیگری زانی وارد می‌آورد علی‌الاصول شخصاً مسئول جبران این خسارت است. با گذشت زمان و پیشرفت‌های اقتصادی، نهاد دیگری تحت عنوان «بیمه» پا به عرصه وجود گذاشت. با استفاده از این نهاد (بیمه‌های مسئولیت مدنی)، اشخاص مطابق قراردادی که با شرکت‌های بیمه منعقد می‌نمایند، تحت شرایط خاصی مسئولیت پرداخت خسارات ناشی از اعمال خود را بر عهده شرکت‌های بیمه قرار می‌دهند. تلاش قانون‌گذاران بر آن است که هیچ خسارتی جبران نشده باقی نماند، زیرا با بروز یک خسارت، دارایی منفی یکی از شهروندان به ناحق افزایش می‌یابد و این امر نظم موجود در روابط اجتماعی را بر هم می‌زند و از قانون‌گذار توقع می‌رود برای این بی‌نظمی تدبیری بیاندیشد. این تفکر منجر به آن شده است که در مواردی که امکان تحقق خسارت زیاد بوده و از سوی دیگر ممکن است این خسارات به دلیل اعسار شخص خاطی یا سایر علل، جبران نشده باقی بماند، اشخاص را به موجب قانون ملزم به بیمه (مانند بیمه اجباری وسایل نقلیه) نمایند.

علاوه بر آنچه گذشت، برخی خسارت‌ها (خسارات بدنی) از نظر قانون‌گذاران کشورهای دنیا دارای چنان اهمیتی هستند که تمایل دارند تا جایی که ممکن است این خسارات جبران نشده باقی نمانند تا جایی که ولو این خسارات از سوی شخص خاطی یا بیمه‌گر وی جبران نشود خود دولت این خسارات را جبران می‌کند این رویکرد مبنای ایجاد نظام‌های جایگزین پرداخت خسارات بدنی<sup>۴</sup> است. کارکرد این نظام‌ها در جایی است که اشخاصی که واقعاً مسئول جبران خسارت بدنی هستند به هر علت نمی‌توانند این خسارت را جبران نمایند و لذا در صورتی که این خسارت توسط نظام‌های جایگزین





پرداخت خسارات بدنی جبران نشود، خسارات مزبور جبران نشده باقی می‌مانند و این امر مطلوب قانون‌گذار نیست.

تفکر وجود نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت، در میان جوامع سنتی نیز وجود داشته و شریعت مقدس اسلام نیز به تفصیل در موارد متعددی ضمان بیت‌المال در دیه نفس و جراحات را بیان داشته است که با ملاحظه سابقه تاریخی وجود نهادهای عمومی برای جبران خسارت‌های جبران نشده زیان دیدگان می‌توان قائل شد که مسئولیت بیت‌المال در اسلام حکم تأسیسی محسوب نمی‌شود. علاوه بر این نهاد سنتی، در حقوق ایران نهادی تحت عنوان صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، تأسیس شده و در پرداخت خسارات بدنی، مکمل بیت‌المال محسوب می‌گردد.

نظام مسئولیت مدنی، یگانه مسیر برای جبران خسارات وارده به افراد نیست (Van Boom, 2007: 85) بلکه منابع دیگری نیز وجود دارند که افراد می‌توانند از آن طرق، خسارات وارده بر خود را جبران نمایند، مانند تأمین اجتماعی<sup>5</sup>، برخی نهادهای خیریه، صندوق‌های جبران خسارت‌های ناشی از جرایم یا حوادث رانندگی و در برخی کشورها بیمه شخص اول<sup>6</sup> (Harpwood, 2000: 10). برقراری نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت، برای جبران خساراتی است که از طریق شیوه‌های عادی مطالبه خسارت، قابل جبران نیستند و این نظام‌ها مستقل از نظام مسئولیت مدنی و نظام بیمه‌های تجاری عمل کرده و به عنوان مکمل آن‌ها استفاده می‌شود (Viney, 2008: 48).

حال سؤال این است که نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت بدنی در ایران، با نظام‌های مزبور در دیگر کشورها چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند و آیا لازم است با استفاده از تجربیات دیگر کشورها نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت بدنی در ایران مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاح گردند؟

بر اساس گزارشات رسمی، نظام حقوقی انگلستان یکی از نظام‌های پیش‌رو در حوزه نظام‌های جایگزین جبران خسارت مدنی است (Moran, 2015: 25)؛ زیرا این کشور





زادگاه انقلاب صنعتی بوده و با تحقق این انقلاب و افزایش وسایل نقلیه موتوری در این کشور، خسارات ناشی از این وسایل نیز افزایش یافته و دولت ناچار شده برای این که خسارات مزبور جبران نشده باقی نمانند تدبیری بیاندیشد. با توجه به پیشرو بودن کشور صنعتی انگلستان در این حوزه و کامل تر بودن مقررات آن نسبت به سایر کشورها، این کشور برای مطالعه تطبیقی انتخاب شده است.

برای پاسخ به سؤال فوق، در این مقاله تلاش می‌شود، ابتدا نظام‌های جایگزین جبران خسارت‌های بدنی در دو کشور ایران و انگلستان معرفی گردد تا از این رهگذر قلمرو موضوعی بحث مشخص گردد، سپس شرایط پرداخت خسارت در نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت‌های بدنی دو کشور به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان نیز موارد پرداخت خسارت‌های بدنی توسط نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت بررسی می‌گردد.

## ۱. معرفی نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی در حقوق ایران و انگلستان

در حقوق ایران و انگلستان، نهادهای جایگزین برای پرداخت خسارت بدنی پیش‌بینی شده است که در ادامه، به تفکیک، نهادهای موجود در هر کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱. معرفی نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی در حقوق ایران

در ایران دو نظام برای این منظور پیش‌بینی شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

#### ۱-۱-۱. بیت‌المال

بیت‌المال در متن قوانین و مقررات تعریف نشده است، لکن در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و برخی قوانین متفرقه به تبعیت از مقررات فقهی مورد اشاره قرار گرفته و بنا به تعریف برخی حقوقدانان به معنی خانه دارایی و مرکز نگهداری و جمع دخل و خرج کشور است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۴۳) و در صدر اسلام جایی بود که اموالی در آنجا نگاهداری می‌شد. بنا به اعتقاد برخی حقوقدانان، پس از برقراری





دیوان‌های اداری، بیت المال به صورت مؤسسه مالی ناظر بر درآمدها و مصارف دولت اسلامی درآمد و از آن پس نیز، همان مالیه نظام اسلامی بود (رحمان ستایش، ۱۳۷۵: ۲۳۷۸).

امروزه، بیت‌المال به مفهوم نخستین آن یعنی محل نگهداری اموال عموم مسلمانان وجود ندارد؛ بلکه هنگامی که از واژه بیت‌المال استفاده می‌شود، اموال بیت‌المال یا به عبارت دیگر اموالی که به همه اقشار جامعه تعلق دارد و همگان در حفظ و نگهداری آن مسئول و در بهره‌مندی از آن دارای حق هستند، مدنظر است. سه شاخصه مهم بیت‌المال، امانت بودن، عمومی بودن و عدالت محوری است (رفیعی محمدی، ۱۳۸۴: ۸۱). از این منظر برخی بیت المال را به اعتبار مال‌های موجود در آن به دو دسته تقسیم کرده اند:

نخست بیت المال مسلمین که عبارت است از اموالی که به مسلمانان تعلق دارد و باید در مصالح آنان هزینه شود. این قسم نیز به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) اموالی که متعلق به عموم مسلمانان است که این مفهوم با مفهوم اموال عمومی ارتباط نزدیک دارد. ب) اموالی که متعلق به صنف خاصی از مسلمانان است؛ مانند زکات که ملک طایفه فقرا است. دوم بیت المال امام علیه السلام که عبارت است از اموال متعلق به منصب امام که امروزه از آن به اموال دولتی هم یاد می‌شود. (رحمانی و زروندی، ۱۳۹۲: ۲۹)

بیت‌المال از صدر ایجاد، هیچ‌گاه روش معمول جبران خسارت نبوده بلکه در کنار سایر کارکردها، به طور استثنایی مسئولیت جبران خسارت بدنی را داشته است که شرح آن در قسمت سوم این مقاله (۳-۱-۱) بیان می‌شود.

#### ۱-۱-۲. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به موجب ماده (۱۰) قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۴۷ تأسیس شد. ماده (۱۰) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷ نیز لزوم وجود صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را مورد تأکید قرار داده و دامنه مسئولیت آن را گسترش داد و در قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ۱۳۹۵ نیز در مواضع مختلف به مسئولیت این صندوق اشاره شده است.





مرکز این صندوق در تهران بوده و در صورت لزوم در شهرستان‌ها و بخش‌ها نیز می‌تواند شعب یا نمایندگی داشته باشد. اداره این صندوق امروزه بر اساس آیین‌نامه چگونگی اداره صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مصوب ۱۳۸۸/۱۱/۳ هیئت‌وزیران است و ماده (۲) این آیین‌نامه بیان می‌دارد: «صندوق دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و بالاترین مقام در اجرای مقررات مدیر صندوق خواهد بود.» موارد پرداخت خسارت توسط این صندوق در قسمت سوم این مقاله (۳-۱-۲) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳-۱-۱. رابطه عاقله با نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی

ماده (۴۶۸) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند.» مطابق قانون مجازات اسلامی، مسئولیت عاقله اصولاً ناظر است به قتل خطایی (قتل عمد و شبه عمد صغیر و مجنون در حکم قتل خطایی است) و نیز جنایات‌های خطایی موضعه و بالاتر (مواد ۴۶۶ و ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی). با توجه به این که در جنایات فوق‌الذکر، خسارت (دیه) توسط شخص یا اشخاصی غیر از واردکننده زیان به‌وجود می‌آید ممکن است این‌طور به‌نظر برسد که نهاد عاقله نیز یکی از نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی محسوب می‌شود؛ لیکن باید دانست که مسئولیت عاقله یک مسئولیت ابتدایی است (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۸۵) در حالی که مسئولیت نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی همان‌طور که در ادامه توضیح داده خواهد شد یک مسئولیت جایگزین<sup>۱</sup> می‌باشد؛ لذا نهاد عاقله از حیث ابتدایی یا جایگزین بودن مسئولیت با نهادهای جایگزین جبران خسارت بدنی تفاوت بنیادینی دارد و در دسته‌بندی نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی قرار نمی‌گیرد.



1 Alternative.



## ۲-۱. معرفی نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی در حقوق انگلستان

در انگلستان اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم (CICA)<sup>۱</sup> و اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری (MIB)<sup>۲</sup> نقشی مشابه با نهادهای موجود در ایران برای جبران خسارت‌های بدنی دارند. چنین نهادهایی در انگلستان به عنوان نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت<sup>۳</sup> شناخته می‌شوند که این عنوان را به بیت‌المال و صندوق جبران خسارت‌های بدنی در ایران نیز می‌توان اطلاق کرد؛ زیرا این نهادها نیز در عملکردی مشابه، به قائم مقامی از واردکننده اصلی زیان، خسارات وارده به افراد زیان‌دیده را پوشش می‌دهند.

### ۱-۲-۱. اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم (CICA)

در اهداف «اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم» بیان شده است که هدف از تأسیس این نهاد، ارائه خدمات مؤثر و منصفانه به قربانیان جرایم خشونت‌بار بوده (8: Criminal Injuries Compensation Authority, 2012-13) و رسالت این اداره رسانیدن جامعه به عدالت قضایی ایده آل است که از طریق حمایت از قربانیانی که به واسطه جرایمی که دولت از عهده جلوگیری آن‌ها برنیامده است، صورت می‌گیرد. هدف این اداره بررسی دقیق آسیب‌های وارده به افراد و برقراری میزان مؤثر و کافی غرامت، برای جبران زیان‌های وارده و کمک به تعالی جامعه و افزایش حس نوع‌دوستی، از طریق این کمک‌ها در مواردی است که شخص واردکننده زیان متواری شده، شناسایی نگردیده یا فاقد تمکن مالی برای جبران خسارت زیان‌دیده است.

در اصلاحاتی که در سال ۲۰۱۲ در خصوص مقررات ناظر بر این اداره صورت گرفته است، میزان خسارت‌های پرداختی کاهش یافت که این موضوع انتقادات زیادی را برانگیخت. در گزارش سالانه اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم در سال ۲۰۱۳ علت این کاهش این گونه توجیه شده است: «کاهش میزان خسارت‌ها و حذف برخی جرایم و پرداخت‌ها، برای رسیدگی مؤثر به جرایم زیان‌بارتر از طریق حذف آسیب‌ها و خسارات

1 Criminal Injuries Compensation Authority.

2 Motor Insurers' Bureau.

1 Alternative Compensation Systems



جزئی است و از این طریق تمرکز اداره بر روی خسارات ناشی از جرایم زیان‌بارتر قرار می‌گیرد.» (Criminal Injuries Compensation Authority, 2012-13: 7).

یکی از منابع درآمدی این اداره، استرداد وجوه پرداختی از مرتکبین حادثه زیان‌بار است؛ بدین معنی که پس از جبران خسارت، در صورت دسترسی به عامل زیان و تمکن مالی وی، خسارت پرداختی به زیان‌دیده را از وی دریافت می‌نماید؛ بدین ترتیب ماهیت پرداخت این اداره که قائم‌مقامی در پرداخت است مشخص می‌گردد. حداکثر خساراتی که یک شخص به واسطه جراحاتی که بر او وارد شده می‌تواند از این اداره دریافت دارد، ۵۰۰ هزار پوند است و بیش از آن قابل مطالبه نیست (Barrie, 2005: 310).

#### ۱-۲-۲. اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری (MB)

قربانیان سوانح رانندگی که در آن راننده مسبب حادثه فاقد بیمه بوده یا فرار کرده باشد، به ترتیب از سال ۱۹۴۶ و ۱۹۶۸ از این نوع خدمات برای جبران زیان بهره‌مند شدند و اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری بعد از جنگ جهانی دوم (در سال ۱۹۴۶)، به موجب موافقت‌نامه میان دولت انگلستان و اتحادیه بیمه‌گران، بنیان نهاده شد (Deakin & Markesinis, 2008: 68). مطابق قانون عبور و مرور جاده‌ای<sup>۱</sup> با اصلاحات ۱۹۸۸، شرکت‌های بیمه‌گر ملزم‌اند در صندوق این اداره، سهمی را در پرداخت وجوه متقبل شوند. امروزه تمام شرکت‌های بیمه عضو اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری بوده و ملزم هستند تا در تأمین هزینه‌های صندوق این اداره برای انجام فعالیت‌های موردنظر شرکت داشته و ۳۰ پوند به ازای هر بیمه‌نامه به این صندوق پرداخت کنند.

هدف اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری، پایین آوردن سطح رانندگی بدون بیمه، پشتیبانی از صنعت بیمه و جبران خسارت‌های جبران نشده افراد در تصادفات رانندگی است. بر اساس شق «b» بند سوم اساسنامه این اداره، اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری می‌تواند در راستای تحقق اهداف با مقامات دولتی و وزارتخانه‌ها طرف قرارداد واقع شود. از همین رو، امروزه فعالیت این شرکت در زمینه جبران خسارت‌ها، بیشتر بر اساس دو





قرارداد همکاری که میان این اداره و وزارت راه انگلستان<sup>۱</sup> منعقد شده است، اجرا می‌شود. قرارداد اول که در سال ۱۹۹۹ منعقد شده و آخرین اصلاح آن در سال ۲۰۱۷ بوده است، در مورد جبران خسارات وارد شده توسط رانندگان فاقد بیمه‌نامه است (موافقت‌نامه رانندگان فاقد بیمه‌نامه)<sup>۲</sup> و قرارداد دوم که در سال ۲۰۰۳ منعقد شده و در سال ۲۰۱۷ برای آخرین بار مورد اصلاح قرار گرفته، در مورد رانندگانی است از صحنه حادثه گریخته و قابل شناسایی نیستند (موافقت‌نامه رانندگان فراری)<sup>۳</sup>. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این اداره، خساراتی را پوشش می‌دهد که تحت شمول بیمه‌های مسئولیت حوادث رانندگی قرار نمی‌گیرند و از این جهت فعالیت این اداره در انگلستان تا حدود زیادی شبیه به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در ایران است، با این تفاوت که این اداره علاوه بر خسارت‌های بدنی، خسارات وارده بر اموال را نیز پرداخت می‌کند.

## ۲. شرایط جبران خسارت توسط نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت بدنی

در این مبحث در بیان شرایط جبران خسارت در حقوق انگلستان، لزوم یا عدم لزوم وجود آن شرایط در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱. بی‌تقصیر بودن زیان‌دیده

به طور کلی قاعده «تقصیر مشترک»<sup>۴</sup> در کامن لا متضمن آن است که در صورت تقصیر زیان‌دیده (حتی اگر این تقصیر صرفاً یکی از عوامل وقوع زیان باشد)، او از مطالبه خسارت ممنوع است، مگر اینکه وارد کننده زیان به عمد آن را ایجاد کرده باشد. از این قاعده برخی حقوقدانان انگلستانی با عنوان «تمام یا هیچ» در خصوص جبران خسارت زیان‌دیده یاد می‌کنند (Madden, 2005: 352). این قاعده ریشه در حقوق روم دارد که زیان ناشی از تقصیر خود شخص را زیان تلقی نمی‌کردند (جنیدی، ۱۳۷۸: ۵۳).



1 Secretary of State for Transport.  
1 Uninsured Drivers Agreement.  
1 Untraced Drivers Agreement (hit and run).  
1 Contributory Negligence.



امروزه در کشورهایی که قاعده تقصیر مشترک را اجرا می‌کنند، تقصیر مشترک عموماً به عنوان یک دفاع توسط وارد کننده زیان تلقی می‌شود که به وسیله آن، زیان‌دیده به خاطر تقصیری که مرتکب شده، از دریافت خسارت محروم می‌گردد ( Faure, 2009: 48). تا سده بیستم این قاعده در دادگاه‌های انگلستان به صورت مطلق اجرا و تقصیر زیان‌دیده مانع جبران خسارت او می‌شد (Van Dam, 2006: 334) لکن امروزه دادگاه‌ها تمهیداتی برای تخفیف و تعدیل تندی این قاعده اندیشیده‌اند (مانند قاعده آخرین فرصت)<sup>۱۶</sup> در مقررات کنونی نظام حقوقی انگلستان، قانون اصلاحی تقصیر مشترک (مصوب ۱۹۴۵)<sup>۱۷</sup> خسارت را بر پایه درجه تقصیر هریک از عاملان ورود زیان (حتی اگر زیان‌دیده یکی از عاملان ورود زیان به خود باشد) تقسیم کرده و به موجب بند نخست از ماده ۱ این قانون در موردی که شخصی در اثر تقصیر خود و دیگری متحمل زبانی شود، دعوی ضرر و زیان فرد مزبور به دلیل تقصیر زیان‌دیده منتفی و ملغی نمی‌گردد، بلکه از زیان‌های قابل وصول در حدی که دادگاه با توجه به سهم زیان‌دیده در ورود زیان (بر اساس میزان مداخله و تاثیر تقصیر وی) عادلانه و منصفانه بداند، کاسته خواهد شد (پور اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۵).

قانون جبران خسارت‌های ناشی از جرایم و آیین‌نامه آن<sup>۱۸</sup> نیز از مقرراتی است که در صورت تقصیر زیان‌دیده صرفاً خسارت دریافتی او را کاهش داده و او را محروم از جبران خسارت نمی‌کند. ماده (۲۵) آیین‌نامه مذکور بیان می‌دارد: «در مواردی که رفتار مقصرانه زیان‌دیده در حین حادثه یا قبل یا پس از آن موجب زیان شده و به نحوی باشد که او را برای جبران تمام یا قسمتی از خسارت غیرمستحق سازد، تمام یا قسمتی از خسارت به او تعلق نمی‌گیرد.» رفتار مقصرانه زیان‌دیده در هنگام بروز حادثه یا قبل از آن به معنی نقش او

1 Last Opportunity.

1 Law Reform (Contributory Negligence) Act 1945

۱۸ آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم (Criminal Injuries Compensation Scheme) مستند به مواد

و ۱۱ قانون جبران خسارت‌های ناشی از جرایم (Criminal Injuries Compensation Act 1995) تصویب شده است.



در ایجاد حادثه است و با توجه به میزان تأثیری که داشته، از خسارت دریافتی او کاسته می‌شود.

در حوادث رانندگی نیز قاعده تقصیر مشترک به صورت مطلق اجرا نشده و در صورتی که زیان‌دیده مقصر باشد، به صورت کلی از دریافت خسارت محروم نشده و فقط در حدودی که مقصر است استحقاق دریافت خسارت را ندارد. رویه قضایی انگلستان به همین صورت بوده و در پرونده Baker. V. Willoughby (1970) این موضوع را پذیرفته است (Barrie, 2005: 154).

در حقوق ایران در مواردی که زیان‌دیده مقصر باشد، در واقع صورت خاصی از موردی است که دو نفر با یکدیگر ضرری را ایجاد کرده‌اند و بر اساس قاعده مذکور در ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شخص زیان‌دیده به میزانی که تقصیر او در وقوع خسارت نقش داشته، مستحق دریافت خسارت نیست و بدین ترتیب در صورت مسئولیت بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، این مسئولیت به اندازه تقصیری که زیان‌دیده داشته است، کاهش می‌یابد؛ البته لازم به توجه است که چنانچه زیان‌دیده در وقوع حادثه عمد داشته باشد (مانند شخصی که قصد خودکشی داشته و خود را جلوی ماشینی می‌اندازد) اقدام او مانع از مسئولیت عامل حادثه است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۰۷).

با توجه به مطالب فوق، رویکرد نظام حقوقی ایران و انگلستان در خصوص اثر تقصیر مشارکتی در مسئولیت نظام‌های جایگزین پرداخت خسارات بدنی، مشابه بوده و هر دو نظام حقوقی به درستی، در موارد تقصیر زیان‌دیده وی را مستحق دریافت خسارت کامل ندانسته و واردکننده زیان یا نظام‌های جایگزین پرداخت خسارات بدنی، در حدود تقصیر واردکننده زیان، مسئول جبران خسارت هستند و از این حیث تفاوتی میان این دو نظام حقوقی وجود ندارد.

## ۲-۲. داشتن تابعیت یا اقامتگاه در محدوده تعیین شده

در انگلستان، از جمع مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۳) آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم استنتاج می‌شود که زیان‌دیده برای بهره‌مندی از مزایای اداره جبران خسارت‌های





ناشی از جرایم و دریافت خسارت‌های وارده، لازم است حداقل واجد یکی از شرایط زیر باشد:

- (الف) در هنگام وقوع حادثه موجب زیان مقیم بریتانیا باشد.
- (ب) تبعه یکی از کشورهای واقع در بریتانیا (انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی) باشد.
- (ج) رابطه خانوادگی نزدیک با یکی از اتباع کشورهای فوق‌الذکر داشته باشد.
- (د) تبعه یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا منطقه اقتصادی اروپا باشد.
- (ه) تبعه یکی از کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی جبران خسارت قربانیان جرایم خشن<sup>۱</sup> ملصوب ۱۹۸۳ باشد.
- (و) یکی از اعضای ارتش بریتانیا باشد.
- (ز) پناهنده به بریتانیا بوده و درخواست خود را مطابق با قوانین مهاجرتی انگلستان ارائه کند.

در ایران، بر اساس اطلاق مقررات مربوط به جبران خسارت‌های بدنی از بیت‌المال یا صندوق تامین خسارت‌های بدنی که آن را مختص اتباع ایران قلمداد نکرده و همچنین با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین که در ماده (۵) قانون مدنی تصریح شده و لازم‌الاجرا بودن قوانین برای کلیه افراد حاضر در قلمرو کشور ایران (اعم از اتباع ایرانی یا خارجی) را مقرر می‌دارد، می‌توان قائل شد که برای بهره‌مندی از نظام پرداخت خسارت‌های بدنی از بیت‌المال یا صندوق جبران خسارت‌های بدنی، شرط تابعیت کشور ایران یا داشتن اقامت در ایران وجود ندارد و در صورتی که شخصی خارجی (که فاقد اقامتگاه در ایران باشد) نیز در قلمروی کشور ایران متحمل ضرر بدنی ناروا شود، خسارت وی از این منابع جبران خواهد بود.

با توجه به جنبه حمایتی نظام‌های جایگزین پرداخت خسارات بدنی و اینکه عمده منابع مالی این نظام‌ها متعلق به اتباع کشور محل وقوع حادثه است، مقتضی است حمایت‌های این



1 Europe Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes.



نظام‌ها نیز منحصر به اتباع یا مقیمان همان کشورها یا افرادی (همانند پناهندگان قانونی) باشد که مصالح کشور اقتضا می‌نماید؛ لذا در این مورد رویکرد نظام حقوقی انگلستان از این حیث که موارد حمایت را منحصر به اتباع یا مقیمان خود یا افرادی نموده است که مصالح کشور اقتضا نموده است، نسبت به نظام حقوقی ایران منطقی‌تر بوده و شایسته است نظام حقوقی ایران نیز چنین رویکردی اتخاذ نماید.

## ۲-۳. جبران نشده بودن خسارت

در انگلستان هدف از جبران خسارت توسط اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم و اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری، پوشش دادن زیان افرادی است که در اثر ارتکاب جرایم یا حوادث رانندگی دچار زیان شده و از هیچ راهکار قانونی نتوانسته‌اند این خسارات را جبران کنند و نظام‌های جایگزین جبران خسارت با هدف تأمین رفاه شهروندان خسارات آن‌ها را پوشش می‌دهند؛ لذا اگر این افراد سابقاً خسارت وارده را به نحوی از انحاء از بیمه‌های اجتماعی یا تجاری دریافت کرده باشند، جبران دوباره ضرر آن‌ها جایگاهی ندارد. در این کشور مطابق با ماده (۱۸) آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم «در صورتی که فرد سابقاً از طریق این قانون یا سایر مقررات اقدام به جبران خسارت کرده باشد، خسارتی به او پرداخت نخواهد شد.»

در حقوق ایران نیز موارد مسئولیت بیت‌المال صراحتاً مواردی است که خسارت فرد جبران نشده باشد و بیت‌المال برای جلوگیری از هدر شدن خون این فرد اقدام به پرداخت دیه می‌کند. در مورد صندوق جبران خسارت‌های بدنی نیز شرط تحقق تکلیف صندوق به جبران خسارت، احراز ارکان مسئولیت مدنی وسیله نقلیه‌ای است که متواری شده یا بیمه نداشته است و در نظام حقوقی ایران، یکی از ارکان مسئولیت مدنی آن است که ضرر قابل مطالبه باشد و یکی از شرایط قابل مطالبه بودن ضرر، جبران نشده بودن آن است؛ لذا در صورت جبران خسارت زیان‌دیده توسط بیمه‌های اجتماعی یا به هر طریق دیگر، وی حق دریافت خسارت از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را ندارد.

نظام حقوقی ایران و انگلستان در خصوص جبران نشده بودن خسارت وارده، رویکرد مشابهی داشته و در هر دو، به درستی نظام‌های جایگزین پرداخت خسارات بدنی صرفاً در





مواردی مسئول جبران خسارت هستند که خسارت مزبور جبران نشده باقی مانده و به هیچ شیوه دیگری نیز قابل جبران نباشد.

## ۲-۴. عدم انتفاع وارد کننده زیان از خسارت دریافتی

ممکن است خشونت‌های خانوادگی منجر به ایجاد خسارت‌های بدنی خصوصاً در زنان و کودکان شود. در این راستا ماده (۲۱) آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم در یک حکم کلی بیان می‌دارد در صورتی که شخص مهاجم (وارد کننده زیان) به نحوی از انحاء از خسارت پرداختی به زیان‌دیده منتفع شود، خسارتی پرداخت نخواهد شد؛ نظیر آن که پدر به فرزند صغیر خود آسیبی وارد نماید در این حالت خسارت پرداختی به صغیر مجدداً در اختیار پدر قرار خواهد گرفت و از این طریق ضارب از خسارت پرداختی منتفع می‌گردد.

همچنین ماده مزبور بیان می‌دارد که اگر وارد کننده خسارت بدنی و زیان‌دیده در هنگام بروز حادثه با یکدیگر به عنوان اعضای یک خانواده زندگی می‌کردند، خسارتی پرداخت نمی‌گردد مگر اینکه در زمان صدور حکم به جبران خسارت، دیگر این افراد با یکدیگر زندگی نکرده و احتمال بازگشت آن‌ها به خانه‌ای مشترک، بعید باشد.

به نظر می‌رسد علت این شرط آن است که جبران خسارت‌ها از طریق اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم در چنین مواردی ممکن است منجر به افزایش تبانی (Deakin & Markesinis, 2008: 65) و زد و خوردهای صوری شود که با جراحات یکی از اعضای خانواده و عدم تمکن ضارب، اداره اقدام به جبران خسارت کند و با این تبانی درآمدی نصیب این افراد شود. همچنین جبران این گونه خسارت‌ها ممکن است موجب افزایش خشونت نسبت به کودکان شود تا اولیای آن‌ها بتوانند از طریق جبران خسارت از اداره مذکور وجوهی را کسب کنند، در حالی که حق کودکان به محافظت از خشونت یکی از حقوق تخطی‌ناپذیر آنان است (Bridgman, 2007: 63) و شایسته نیست که مقررات قانونی انگیزه‌ای برای ایجاد خشونت علیه کودکان ایجاد نمایند.

در حقوق ایران در زمینه جبران خسارت توسط بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مقرره‌ای در خصوص رابطه خویشاوندی جانی و مجنی علیه مشاهده نمی‌شود و به





نظر می‌رسد از این لحاظ منعی در حقوق ایران برای جبران خسارت از طریق بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی وجود ندارد.

اگرچه در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که لازم است در حمایت‌های نظام‌های جایگزین جبران خسارت‌های بدنی تفاوتی میان خسارات ناشی از جنایات خانوادگی و غیر آن گذاشته نشود، لکن با توجه به اینکه بیم مفاسد متعددی همانند افزایش زد و خورد‌های صوری یا خشونت‌های خانوادگی برای دریافت خسارت و به تبع آن سوءاستفاده از این نهادهای حمایتی وجود دارد، شایسته است نظام حقوقی ایران نیز به این امر توجه نموده و راه چنین سوءاستفاده‌هایی را مسدود نماید. به این صورت که در موارد وجود رابطه خانوادگی میان ضارب و مضروب، اصل را بر تبانی میان آن‌ها بگذارد و در نتیجه آن‌ها را مکلف نماید قرائنی ارائه نمایند که رافع شبهه تبانی می‌باشد.

## ۲-۵. گزارش به پلیس و همکاری با آن

در انگلستان یکی از شرایط حمایت و پشتیبانی نهادهای جایگزین جبران خسارت آن است که قربانی، جرم ارتكابی یا تصادفی که موجب زیان او شده است را به مقامات پلیس گزارش داده و همکاری‌های لازم را برای یافتن مسبب حادثه انجام داده باشد.

مطابق با آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم، شخصی استحقاق دریافت خسارت را دارد که در مدت معقولی پس از وقوع جرم، آن را به پلیس گزارش کرده باشد. البته بر اساس ماده (۲۲) این آیین‌نامه با توجه به طبیعت برخی جرایم و تأثیرات روحی و جسمی متعاقب آن، مهلتی که برای مراجعه به پلیس مقرر شده، مدت معقول عرفی است و در تعیین این مدت شرایط مجنی علیه مثل سن و توان جسمی و روحی او نیز مورد توجه است و حتی ممکن است فرد تا مدت‌ها بعد از وقوع جرم، این امکان را پیدا نکند تا جرم را به پلیس گزارش کند و این موجب زوال حق او نیست. همچنین بر اساس ماده (۲۳) آیین‌نامه فوق‌الذکر پس از گزارش جرم به پلیس، زیان‌دیده باید همکاری‌های لازم را برای دستگیری عامل حادثه و جمع‌آوری مدارک و مستندات انجام دهد.

مطابق با «موافقت‌نامه رانندگان فراری» در بند (c) و (e) ماده (۴)، شخصی که قربانی تصادفات رانندگی شده باید در صورت ورود خسارت‌های بدنی ظرف ۱۴ روز و در مورد





خسارت‌های مالی، ۵ روز از تاریخ وقوع حادثه آن را به پلیس گزارش کرده و همکاری‌های لازم را در این خصوص انجام دهد و مهلت‌های بیان شده در صورت وجود شرایط اضطراری قابل تمدید خواهد بود.

در ایران در خصوص دیه پرداختی از سوی بیت‌المال، اگرچه گزارش و همکاری با پلیس به عنوان شرط دریافت خسارت ذکر نشده است؛ لکن در برخی موارد همکاری با پلیس و مقامات قضایی ضروری است؛ زیرا در مواردی مثل ناشناس بودن جانی یا فرار وی، مجنی علیه یا اولیای دم او باید گزارش موضوع را به پلیس و مرجع قضایی داده و برای شناسایی یا دستگیری جانی همکاری نمایند؛ زیرا منظور قانون از اینکه جانی معلوم نبوده یا فرار کرده باشد، زمانی است که تمام تلاش‌ها برای شناسایی یا دستگیری جانی انجام شده لکن نتیجه‌ای حاصل نشده است که در این صورت بیت‌المال عهده‌دار جبران خسارت می‌شود.

در مورد صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مواد (۳۴) و (۳۶) قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ۱۳۹۵، از تکلیف صندوق به پرداخت خسارت، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶ (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) و پزشکی قانونی سخن به میان آورده است.

نظام حقوقی ایران و انگلستان در خصوص لزوم گزارش به پلیس و همکاری با آن، رویکرد نسبتاً مشابهی داشته و اگرچه در نظام حقوقی ایران در موضوع مسئولیت بیت‌المال، این امر تصریح نشده است؛ لکن در عمده موارد بدون مراجعه به پلیس و همکاری با آن، شرایط مطالبه دیه از بیت‌المال محقق نمی‌گردد. با این حال، شایسته است قانون‌گذار در تمام موارد مسئولیت بیت‌المال، به این مهم تصریح نماید.

## ۲-۶. درخواست جبران خسارت در مهلت مقرر

برای اینکه جمع‌آوری مدارک برای انتساب جرم یا حادثه آسان‌تر و تخمین میزان خسارت‌های وارده به قربانی دقیق‌تر باشد، درخواست جبران خسارت از اداره جبران





خسارت‌های ناشی از جرایم و اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری باید ظرف مهلت‌های مقرر صورت گرفته و خارج از این مهلت‌ها، بدون عذر موجه، درخواست جبران خسارت پذیرفته نمی‌شود.

در صورتی که قربانی جنایت بالای ۱۸ سال داشته باشد، درخواست جبران خسارت او از اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم مطابق با ماده (۸۶) آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم، باید ظرف ۲ سال از تاریخ وقوع حادثه صورت گیرد. در حوادث رانندگی نیز بر اساس بند (۳) ماده (۴) موافقت‌نامه رانندگان فراری، درخواست جبران خسارت از اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری، در مورد خسارت‌های بدنی باید ظرف ۳ سال از تاریخ وقوع تصادف و در مورد خسارت‌های مالی باید ظرف ۹ ماه از این تاریخ صورت بگیرد. در مواردی که یک تصادف هم موجب خسارات بدنی و هم موجب خسارات مالی شود، روز حادثه مبدأ شروع مهلت درخواست بوده و انقضای مهلت درخواست جبران خسارات وارده بر اموال ۹ ماه و در مورد خسارات جانی ۳ سال پس از این تاریخ می‌باشد (Barrie, 2005: 310).

در صورتی که قربانی حادثه شخصی زیر ۱۸ سال باشد، با توجه به اینکه این شخص اهلیت درخواست جبران خسارت را ندارد، در صورتی که نماینده قانونی یا قضایی او درخواست جبران خسارت نکرده باشد، مطابق با بند «b» ماده ۸۸ آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم، این فرد پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تا روز تولد ۲۰ سالگی خود می‌تواند از اداره مزبور درخواست جبران خسارت‌های وارده را بنماید.

در حقوق ایران، اگرچه مطالبه دیه و خسارت از بیت‌المال و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، برای دریافت دیه یا خسارت ضروری است، لکن این مطالبه مقید به مدت نشده و در هر زمان پس از ورود خسارت، زیان‌دیده یا وراث وی می‌توانند از بیت‌المال یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، دیه یا خسارت را مطالبه نمایند؛ زیرا مرور زمان مقرر در قانون مجازات اسلامی مربوط به جرایم تعزیری است (مواد ۱۰۵ تا ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی) و شامل دیه نمی‌شود و از سوی دیگر برای مطالبه خسارت از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نیز مرور زمانی پیش‌بینی نشده است. تبصره (۱) ماده (۳۲)





قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مقرر می‌دارد: «در مواردی که صندوق مطابق مقررات این قانون رأساً مکلف به پرداخت خسارت بدنی است، پس از قطعی شدن مبلغ خسارت چنانچه زیان دیده یا قائم مقام وی، تا بیست روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی به وی برای دریافت خسارت به صندوق مراجعه نکند، مبلغ مذکور به عنوان امانت نزد صندوق باقی مانده و در زمان مراجعه زیان دیده یا قائم مقام قانونی وی عیناً پرداخت می‌شود.»

با توجه به اینکه مسئولیت نظام‌های جایگزین جبران خسارت‌های بدنی، جبران زیان-هایی است که به هر علت توسط مقصر اصلی جبران نشده‌اند و پس از پرداخت خسارت به شخص زیان دیده، نهادهای جایگزین جبران خسارت‌های بدنی می‌توانند برای دریافت آن به واردکننده زیان مراجعه کنند، رعایت مقتضیاتی که امکان این رجوع را فراهم نماید، ضروری است؛ بر این اساس، رویکرد نظام حقوقی انگلستان در مقرر نمودن محدوده زمانی برای درخواست خسارت، موجب می‌شود که نظام‌های جایگزین جبران خسارت‌های بدنی امکان بررسی حادثه و انتساب آن به واردکننده زیان بر اساس ادله موجود را داشته باشند، در حالی که در نظام حقوقی ایران در صورتی که مدت معتناهی از وقوع حادثه سپری شده باشد، عملاً امکان دسترسی به ادله انتساب حادثه به واردکننده زیان نبوده و در نتیجه نظام‌های جایگزین جبران خسارت بدنی امکان دریافت خسارت از واردکننده خسارت را ندارند. همچنین با توجه به اینکه کارکرد نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت بدنی، حمایت از شخص زیان دیده است، نباید موارد بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری زیان دیده را نیز در برگیرد و جبران خسارت اشخاصی که بدون عذر موجه برای مدت طولانی اقدام به درخواست جبران خسارت نمی‌کنند را پوشش دهد. لذا شایسته است نظام حقوقی ایران به مهم توجه نموده و همانند نظام حقوقی انگلستان برای درخواست جبران خسارت محدوده زمانی مقرر نماید.





### ۳. موارد پرداخت خسارت های بدنی توسط نظام های جایگزین پرداخت خسارت

در مبحث حاضر، ابتدا موارد پرداخت خسارت های بدنی در حقوق ایران بررسی شده و در ادامه موارد پرداخت خسارت در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار می گیرد.

#### ۳-۱. موارد پرداخت خسارت های بدنی در حقوق ایران

با توجه به آن که دیه و خسارت های بدنی در حقوق ایران از سوی دو نهاد مجزا و مستقل پرداخت می گردد، در ادامه موارد پرداخت خسارت های بدنی توسط بیت المال و صندوق تأمین خسارت های بدنی به تفکیک بیان می گردد.

#### ۳-۱-۱. موارد پرداخت خسارت های بدنی توسط بیت المال

موارد پرداخت خسارت بدنی از بیت المال به شرح زیر قابل احصاء است:

##### ۳-۱-۱-۱. منتسب نشدن قتل به فرد یا افرادی خاص

عمده ترین مورد برای پرداخت دیه از بیت المال، جایی است که شخصی به قتل رسیده و نمی توان از طریق مدارک و مستندات، این قتل را به فرد یا افراد خاصی منتسب نمود. گاهی پس از به قتل رسیدن فردی، هیچ قرینه ای برای قاتل بودن شخص خاصی وجود ندارد که در این موارد می توان مستقیماً به سراغ بیت المال رفته و خسارت را از این محل قابل جبران دانست (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۰؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۱۳).

##### ۳-۱-۱-۲. قتل و ایراد جراحت توسط مأمورین

با جمع ماده (۴۷۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده (۴۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می تواند قائل شد که اگر در اثر انجام فعالیت یا مأموریت مأموران، فرد یا افرادی دچار آسیب جسمانی شده یا کشته شوند، موضوع در دو حالت قابل بررسی است: اول اینکه مأمور از حیطه اختیارات قانونی فراتر رفته و بدین ترتیب موجب قتل یا جراحت فردی شده باشد و حالت دوم اینکه مأمور وظایف قانونی خود را انجام داده و در این مسیر شخصی مجروح شده یا به قتل برسد.

حالت اول تابع قواعد عمومی مسئولیت کیفری و مدنی بوده و مأمور دولتی که حدود اختیار خود را رعایت نکرده باید در حدود سوءنیت و تقصیر خود، مسئولیت کیفری یا مدنی را متحمل شود؛ اما در حالت دوم که مأمور در حدود اختیارات قانونی عمل کرده و





از این رهگذر شخصی دچار آسیب بدنی می‌شود، با توجه به اینکه مأمور مرتکب تقصیر نشده تا مسئول تلقی گردد و از سوی دیگر خون انسان بی‌گناهی ریخته شده است، دیه جنایت صورت گرفته بر عهده بیت‌المال است.

### ۳-۱-۱-۳. جنایات ناشی از اشتباه قاضی

مهم‌ترین وظیفه مراجع قضایی بسط عدالت در جامعه می‌باشد و چنانچه قاضی که خود مجری قانون است، اشراف کامل به قوانین نداشته و یا آن را به اشتباه اعمال نماید و شهروندی به این واسطه متضرر گردد، رسم عدالت اقتضا دارد که خسارات وارده جبران شود. با توجه به اهمیت امر قضا در جامعه، تلاش قانون‌گذار بر این است که این جبران به نحوی صورت بگیرد که به استقلال قاضی لطمه‌ای وارد نگردد (داورنیا، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل (۱۷۱) مسئولیت بیت‌المال را در صورت تقصیر یا اشتباه قاضی مقرر نموده است. در صورت تقصیر قاضی، او در گروی خطای خویش است و شخصاً باید بار این مسئولیت را بر دوش کشد اما در صورت اشتباه او، مسئولیت با بیت‌المال است و این طریق منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا در غیر این صورت حتی قضات ضابطه‌مند و محتاط و قانون‌مدار نیز چون در معرض اشتباه و مسئولیت جبران خسارت قرار دارند، دچار فشار روانی مضری برای صدور احکام می‌شوند و بهترین راه همین است که چون به شخصی بی‌گناه خسارت وارد شده و قاضی مرتکب تقصیری نشده و متعارف رفتار کرده است، جبران این خسارت بر عهده بیت‌المال باشد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «آنچه را که قاضیان در خون و مال خطا کنند، باید به وسیله بیت‌المال مسلمین جبران شود.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۶). فقهای امامیه نیز مستند به روایت مزبور، مسئولیت جبران ناشی از خطای قاضی را بر عهده بیت‌المال دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۴۱؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۶۹۸؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۲۷۶؛ عاملی، بی‌تا: ۲۷).

### ۳-۱-۱-۴. عدم وجود عاقله یا عدم تمکن مالی او در قتل خطای محض

در حقوق ایران در مواردی که قتل از نوع خطای محض باشد، عاقله مسئول پرداخت دیه است. به نظر می‌رسد که این نهاد، فلسفه توزیعی داشته و برای توزیع مسئولیت ناشی از





ایراد جراحات به دیگری، میان عده کثیری از افراد است تا فردی که سوءنیتی در ارتکاب جنایت نداشته است، متحمل بار سنگین پرداخت دیه نشود و در واقع منشأ این حکم، حمایتی طبیعی میان خویشان ذکور است که در میان اقوام قدیمی وجود داشته است (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۴۳۲).

در برخی موارد شخص غیر متمکنی که مرتکب قتل خطای محض شده است، ممکن است عاقله نداشته یا عاقله او فاقد تمکن مالی برای جبران خسارت باشد، در چنین حالتی بر اساس ماده (۴۷۰) قانون مجازات اسلامی برای تحمیل نشدن خسارت ناشی از جنایت به شخصی که فاقد قصد بوده و همین طور مجانین و اطفالی که فاقد قوه تمیز هستند و مرتکب جنایت شده‌اند؛ همانند نظریه سنتی فرانسوی که معتقد بود افراد فاقد تمیز نباید مسئولیت مدنی داشته باشند (ساردوئی نسب، ۱۳۸۶: ۸۴)، بیت‌المال سیاست عدالت توزیعی را برقرار ساخته و عهده‌دار پرداخت دیه شده است.

### ۳-۱-۱-۵. فرار قاتل یا فوت وی

در قتل شبه عمد مسئولیت پرداخت دیه بر عهده قاتل است ولی ممکن است قاتل فرار کرده یا فوت کند. در قتل عمد نیز علی‌رغم اینکه مجازات اصلی آن قصاص است اما در صورت تعذر امکان اجرای قصاص به علتی از جمله فرار قاتل، برای جلوگیری از پایمال شدن خون مقتول، حکم به پرداخت دیه می‌شود ولی در برخی موارد قاتل فراری یا فوت شده، مالی نیز از خود به جای نگذاشته است تا از این طریق دیه پرداخت گردد. در این خصوص دو نظر وجود دارد:

نخست آنکه مسئولیت پرداخت دیه از بیت‌المال یا اموال اقربای قاتل، خلاف اصل است و نیاز به دلیل دارد و در شرع چنین دلیلی وجود ندارد. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۳۵).

نظر دوم آن است که از اقربای او (کسانی که از او ارث می‌برند) دیه گرفته شده و اگر اقربایی نداشت از بیت‌المال داده شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۷؛ حلی، ۱۴۱۳: ۲۹۷).

نظر دوم ظاهراً مبتنی بر روایت ابی‌بصیر از امام صادق (ع) در مورد قاتل فراری است که می‌فرماید: «... دیه از مال قاتل گرفته می‌شود، اگر قاتل مالی نداشت از نزدیکان او به





نحو الاقرب فالاقرب و اگر خویشاوندی نداشته باشد، دیه را امام پرداخت می‌کند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۹۵)

با عنایت به شهرت نظر دوم، در صورتی که جانی در قتل شبه عمد فوت یا فرار کند، در ابتدا اگر ترکه‌ای از او باقی باشد، همانند سایر دیون از اموال وی پرداخت می‌گردد و در صورت نداشتن ترکه، ابتدا از خویشاوندان (الاقرب فالاقرب) و در صورت عدم وجود خویشاوندان یا عدم تمکن مالی آن‌ها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همین نظر را در ماده (۴۳۵) پذیرفته است.

### ۳-۱-۱-۶. قتل مجنون در مقام دفاع

در جایی که شخصی در مقام دفاع از خود مجنون را به قتل می‌رساند قول مشهور آن است که قصاص و دیه منتفی است و خون مجنون هدر محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۶۰؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۶۸؛ حلی، ۱۴۱۲: ۴۱۵)؛ لیکن برخی فقها معتقدند اگرچه در این فرض دیه و قصاصی بر عهده قاتل نیست ولی دیه مجنون از بیت‌المال پرداخت می‌شود (روحانی قمی، ۱۴۱۲: ۶۳؛ حلی ۱۴۰۵: ۵۷۵). تبصره ۳ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نظر اخیر را پذیرفته و مقرر داشته است که خون مجنون متجاوز هدر محسوب نمی‌شود؛ لکن از قاتل نیز به دلیل مشروع بودن عملش در دفاع دیه گرفته نمی‌شود و مسئولیت پرداخت دیه مهاجم مجنون بر عهده بیت‌المال است.

### ۳-۱-۱-۷. پرداخت فاضل دیه

با توجه به تفاوت دیه زن و مرد (ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) در صورتی که مردی زنی را به قتل برساند، اولیای دم مقتول در صورتی که خواستار قصاص قاتل باشند، باید نصف دیه کامل مرد را به او به عنوان فاضل دیه پرداخت کنند. لکن در برخی موارد قتلی صورت می‌گیرد که احساسات عمومی را جریحه‌دار و نظم و امنیت را مخدوش می‌کند و اولیای دم مقتول توان مالی پرداخت فاضل دیه به شرح مذکور را ندارند که در چنین حالتی با رعایت شرایط ماده (۴۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فاضل دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.





### ۳-۱-۲. موارد پرداخت خسارت‌های بدنی توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

موارد پرداخت خسارت‌های بدنی از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به شرح زیر قابل احصاء است:

#### ۳-۱-۲-۱. جبران تفاوت دیه زن و مرد

برخی انتقادات از تفاوت دیه زن و مردان به خصوص در میان حامیان حقوق زنان، باعث ایجاد این تفکر شد که اگرچه میزان دیه نص صریح شرع است، لکن می‌تواند شیوه‌ای برای برابری دیه زن و مرد تنظیم کرد تا در صورت وقوع خسارت‌های جانی، مبلغ دریافتی زنان و مردان یکسان باشد. نخستین گام برای اجرای این تفکر، تبصره (۲) ماده (۴) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مصوب سال ۱۳۸۷ بود که خسارت‌های بدنی زنان و مردان را مساوی مقرر نمود. گام بعدی برای تکمیل این رویکرد در پرداخت خسارت‌های بدنی یکسان، ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بود. اگرچه ماده (۵۵۰) این قانون دیه قتل زن را نصف دیه مرد مقرر می‌دارد؛ لکن تبصره ماده (۵۵۱) قانون فوق‌الذکر بیان می‌دارد: «در کلیه جنایات‌هایی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.» باید توجه داشت که این به معنای برابری دیه زن و مردان نیست و برای زنان نیمی از دیه به عنوان دیه مقرر قانونی و نیم دیگر به عنوان خسارت بدنی پرداخت می‌شود.

با توجه به اختلافی که میان محاکم وجود داشت و برخی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را صرفاً در پرداخت ما به التفاوت دیه نفس زن تا میزان دیه نفس مرد مسئول دانسته و در دیه جنایات وارده بر عضو و منفعت مسئول نمی‌دانستند و برخی دیگر قائل به مسئولیت این صندوق در تمام جنایات وارده بر زن اعم از نفس و عضو و منفعت بودند، دیوان عالی کشور در رأی شماره ۷۷۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۱ مقرر نمود که با عنایت به مفاد ماده (۲۸۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در نحوه تقسیم‌بندی جنایات علیه نفس یا عضو یا منفعت و عمومیت مقررات تبصره ذیل ماده (۵۵۱) این قانون، نظر به اینکه مکلف شدن صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به پرداخت معادل تفاوت دیه اناث تا سقف دیه ذکور





امتنانی است، لذا در کلیه جنایات علیه زنان، اعم از نفس یا اعضا، مابه‌التفاوت دیه مربوط به آنان باید از محل صندوق مذکور پرداخت شود.

### ۳-۱-۲-۲. خسارت‌های ناشی از حوادث رانندگی

حوادث ناشی از رانندگی وسایل نقلیه، مهم‌ترین و شایع‌ترین شبه جرمی است که در سالیان اخیر دادگاه‌ها را به خود مشغول ساخته است (کاتوزیان و جنیدی، ۱۳۸۰: ۵۹). ماده (۴) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ۱۳۹۵ موارد مسئولیت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را بیان می‌دارد:

«در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث: ...

ب- در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون جبران می‌شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می‌کند.»

ماده (۲۱) قانون مزبور نیز بیان می‌دارد:

«به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته‌نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به‌طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به‌استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود.»

بر این اساس مشاهده می‌شود که مسئولیت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در جبران خسارت‌های ناشی از حوادث رانندگی، در این موارد است: الف- عامل ورود خسارت فاقد بیمه‌نامه بوده یا بیمه‌نامه وی منقضی یا باطل شده باشد؛ ب- پوشش مبلغی بیمه‌نامه به سبب افزایش مبلغ ریالی دیه نتواند تمام خسارات بدنی وارده را جبران نماید؛ ج- شرکت





بیمه‌گر با تعلیق یا لغو پروانه فعالیت مواجه شده یا حکم توقف یا ورشکستگی آن صادر شده باشد. مقنن پس از بیان موارد مذکور، در یک حکم کلی بیان می‌دارد که هر خسارت بدنی که در حوادث رانندگی به شخصی وارد شده و بنا به هر دلیلی خارج از تعهدات شرکت بیمه‌گر باشد، توسط صندوق تامین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود تا بدین طریق، کلیه مصادیق خسارت‌های بدنی ناشی از حوادث رانندگی که از طریق شرکت‌های بیمه قابل پوشش نیست را در بر گیرد.

ویژگی عمده عملکرد صندوق نسبت به پیش از سال ۱۳۸۷ این است که برخلاف آنچه در قانون سال ۱۳۴۷ مقرر شده بود و صندوق تنها عهده‌دار بخشی از جبران خسارت بود، در قوانین مصوب ۱۳۸۷ و ۱۳۹۵ هیچ تفاوتی در میزان پرداخت خسارت بین صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و شرکت‌های بیمه وجود ندارد و این صندوق به نحو تمام و کمال مکلف به جبران خسارات در موارد مشخص شده است تا بدین طریق حمایت کامل و شایسته‌ای از قربانیان حوادث رانندگی صورت بگیرد.

### ۲-۲. موارد پرداخت خسارت‌های بدنی در حقوق انگلستان

موارد پرداخت خسارت‌های بدنی در حقوق انگلستان به شرح زیر قابل طرح و بررسی است:

#### ۳-۲-۱. عدم شناسایی عامل زیان بدنی

اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم در صورتی که ضارب پس از وقوع جرم متواری گردد یا به نحوی از انحاء قابل شناسایی نباشد (مثلاً ضارب پس از ارتکاب جرم در آتش‌سوزی گرفتار شده و به نحوی سوخته است که کالبد او قابل شناسایی نیست)، اقدام به جبران خسارت از زیان‌دیده از جرم کرده و هرگاه عامل حادثه که متواری یا قابل شناسایی نبوده است، پیدا شده یا مورد شناسایی قرار گیرد، اداره مذکور برای دریافت خسارت پرداختی به اموال وی رجوع می‌کند.

در حوادث رانندگی در صورتی که راننده مسبب حادثه شناسایی نشود، اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری طبق «موافقت‌نامه رانندگان فراری» عمل کرده و اقدام به جبران زیان‌های وارده می‌کند. بر این اساس مشاهده می‌شود که یکی از وظایف این اداره جبران





خسارت قربانیان بی‌گناهی است که در یک تصادف رانندگی زیان جانی یا مالی دیده‌اند و راننده متخلف فرار کرده یا به نحوی از انحاء قابل شناسایی نیست (Deakin & Markesinis, 2008: 68).

بند «د» ماده (۴) موافقت‌نامه رانندگان فراری بیان می‌دارد که قربانی حادثه در صورتی می‌تواند درخواست جبران خسارت از اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری را طرح نماید که شخص عامل حادثه شناسایی نشده یا در صورتی که بیش از یک شخص عامل حادثه بوده‌اند، هیچ‌کدام از آن‌ها شناسایی نشده باشند.

نکته قابل توجه در مورد اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری آن است که دامنه جبران خسارت توسط این اداره گسترده‌تر از دامنه جبران خسارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در ایران است و اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری صرفاً خسارت‌های بدنی را در بر نگرفته و خسارات وارده بر اموال را که توسط راننده‌ای ناشناس وارد آمده باشد نیز پوشش می‌دهد.

با توجه به اینکه در نظام حقوقی ایران، عدم شناسایی عامل خسارت بدنی صرفاً در تصادفات رانندگی موجب مسئولیت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است و مسئولیت بیت‌المال نیز ناظر به مورد قتل و عدم شناسایی یا فرار قاتل است، لذا خسارت‌های بدنی مادون قتل در شرایطی که ناشی از حوادث رانندگی نبوده و عامل خسارت نیز شناسایی یا دستگیر نمی‌شود، تحت پوشش هیچ نظام جایگزین پرداخت خسارت بدنی قرار نمی‌گیرد، لذا شایسته است نظام حقوقی ایران در این مورد مشابه نظام حقوقی انگلستان چنین خساراتی را پوشش دهد که البته با توجه به مسئولیت استثنایی بیت‌المال، بهتر است این مسئولیت به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی محول شود.

### ۳-۲-۲. عدم تمکن مجرم در جبران ضرر ناشی از جرم

در صورتی که فردی اقدام به جنایت علیه فرد دیگری کرده و جراحاتی به او وارد نماید و بر اثر این جنایت، فرد مورد تهاجم کشته شده یا دچار آسیب‌های جسمانی شود، علاوه بر جنبه کیفری این جرم که بر مجرم تحمیل می‌گردد، فرد مهاجم ملزم به جبران زیان‌هایی است که به مجنی علیه وارد آورده است. در این موارد، چنانچه ضارب شناسایی





شده لکن تمکن مالی برای پرداخت خسارات نداشته باشد، لازم است راهی برای جبران خسارت فرد قربانی وجود داشته باشد تا وی علاوه بر درد و رنج جسمانی که متحمل می‌شود، بار هزینه‌های درمانی و سایر هزینه‌ها را نیز بر دوش نکشد؛ از این رو در چنین مواردی مطابق آیین‌نامه جبران خسارت‌های ناشی از جرایم، اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم به قائم‌مقامی از مجرم خسارت‌های وارده به فرد زیان‌دیده را می‌پردازد.

در نظام حقوقی ایران، جز در موردی شخص غیر متمکنی که مرتکب قتل خطای محض شده است و عاقله نداشته یا عاقله او فاقد تمکن مالی برای جبران خسارت باشد (ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی)، نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت‌های بدنی در خصوص جبران خسارت‌های وارده توسط شخص غیر متمکن مسئولیتی ندارند.

به نظر می‌رسد رویکرد نظام حقوقی انگلستان در این زمینه رویکردی پیشرفته می‌باشد زیرا این هدف را دنبال می‌کند که خسارات وارده به زیان‌دیده جرم را تامین نموده و بر مبنای عدالت توزیعی هیچ خسارت بدنی را جبران نشده باقی نگذارد. در نظام حقوقی ایران نیز مطلوب است چنین رویکردی پیش‌بینی شود؛ لکن با توجه به مسئولیت استثنایی بیت‌المال در جبران خسارت‌های بدنی، قانون‌گذار می‌تواند برای نیل به این مقصود، صندوق خاصی را تأسیس نماید یا از طریق گسترش مسئولیت‌های صندوق تامین خسارت‌های بدنی، به این مهم نائل آید.

### ۳-۲-۳. بیمه نبودن عامل تصادف رانندگی

بیمه اجباری شخص ثالث در انگلستان از سال ۱۹۳۰ برای رانندگان وسایل نقلیه موتوری اجباری شده<sup>۱</sup> و در حاضر مطابق با ماده (۱۴۳) قانون عبور و مرور جاده‌ای مصوب ۱۹۸۸ این بیمه اجباری است و در صورتی که شخصی تصادف کرده و وسیله نقلیه او بیمه داشته باشد، قربانی این حادثه به شرکت بیمه وسیله نقلیه مراجعه کرده و خسارت خود را دریافت می‌کند؛ لکن در صورتی که وسیله نقلیه بیمه نباشد، مقرر کردن اینکه قربانی حادثه صرفاً می‌تواند به عامل زیان رجوع کند، احتمالاً او را در وضعیت دشواری





قرار می‌دهد، زیرا عامل حادثه ممکن است فاقد توانایی مالی پرداخت چنین مبالغی باشد و از این رو خسارت وارده جبران نشده باقی می‌ماند. برای رفع این مشکل، اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری در مواردی که مسبب حادثه شناسایی شده ولی فاقد بیمه‌نامه باشد، بر اساس «موافقت‌نامه رانندگان فاقد بیمه‌نامه»، پرداخت خسارت‌های مالی و بدنی ناشی از حادثه رانندگی را بر عهده می‌گیرد.

در نظام حقوقی ایران نیز در صورت بیمه نبودن عامل تصادف رانندگی مطابق مواد (۴) و (۲۱) قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ۱۳۹۵ خسارات بدنی وارده از سوی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جبران می‌شود؛ لذا موضع دو نظام حقوقی از این حیث مشابه است.

### نتیجه‌گیری

حقوق ایران متأثر از آموزه‌های فقهی، مدت‌ها پیش از نظام‌های پیشرفته امروزی نهادی تحت عنوان «بیت‌المال» را برای جبران برخی خسارات بدنی در زمانی که به طرق معمول قابل جبران نباشند پیش‌بینی کرده بود. علاوه بر این نهاد، از سال ۱۳۴۷ نهادی تحت عنوان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» تأسیس شده است که به نوعی مکمل بیت‌المال محسوب شده و جبران برخی خسارت‌های بدنی را بر عهده دارد. در انگلستان «اداره جبران خسارت‌های ناشی از جرایم» و «اداره بیمه‌گران وسایل نقلیه موتوری» از این حیث که نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت‌های بدنی محسوب می‌گردند، نقشی مشابه با نهادهای حقوق داخلی دارند.

برای جبران خسارت توسط نظام‌های جایگزین پرداخت خسارت‌های بدنی در حقوق انگلستان شرایط گوناگونی مشتمل بر بی‌تقصیر بودن زیان‌دیده، داشتن تابعیت یا اقامتگاه در محدوده تعیین‌شده، قرار گرفتن محل وقوع جنایت در محدوده تعیین‌شده، جبران نشده بودن خسارت، عدم انتفاع واردکننده زیان از خسارت دریافتی، گزارش به پلیس و همکاری با آن و درخواست جبران خسارت در مهلت مقرر پیش‌بینی شده است. برخی از موارد مزبور، در حقوق ایران نیز از شرایط جبران خسارت محسوب می‌گردد؛ اما داشتن





تابعیت یا اقامتگاه در محدوده تعیین شده، عدم انتفاع وارد کننده زیان از خسارت دریافتی، لزوم گزارش به پلیس و همکاری با آن و درخواست جبران خسارت در مهلت مقرر از شرایط دریافت خسارت در حقوق ایران محسوب نمی گردد؛ به نظر می رسد این موارد، همگی دارای مبانی منطقی بوده و متناسب با کارکرد نظام های جایگزین پرداخت خسارات بدنی است لذا شایسته است نظام حقوقی ایران نیز از جهات مزبور اصلاح شده و این موارد نیز از شرایط مطالبه خسارات از نظام های جایگزین پرداخت خسارات بدنی تعیین شود.

از حیث موارد پرداخت خسارت بدنی توسط نظام های جایگزین پرداخت خسارت های بدنی، نظام حقوقی ایران دیدگاه موسع تری داشته و مصادیق بیشتری را تحت پوشش قرار می دهد که این مهم با جنبه حمایتی نظام های جایگزین پرداخت خسارت های بدنی سازگار بوده و دارای مطلوبیت است؛ لکن برخی موارد نظیر عدم شناسایی عامل زیان بدنی در خسارت های بدنی مادون قتل که ناشی از حوادث رانندگی نبوده و عامل خسارت نیز شناسایی یا دستگیر نمی شود و نیز عدم تمکن مجرم در جبران ضرر ناشی از جرم در نظام حقوقی ایران برخلاف نظام حقوقی انگلستان تحت پوشش قرار نمی گیرند و از این جهت مقتضی است قانون گذار موارد مزبور را نیز تحت پوشش نظام های جایگزین پرداخت خسارت های بدنی قرار دهد.

## منابع

- (۱) ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ج ۳.
- (۲) بادامچی، حسین، ۱۳۸۲ش، آغاز قانون گذاری در تاریخ بین النهرین، تهران، انتشارات طرح نو، چ ۱.
- (۳) پور اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۹۲ش، مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن لا، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دوره ۴، ش ۷.
- (۴) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸ش، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۶، ج ۲.





- (۵) جنیدی، لعیاء، ۱۳۷۸ش، تقصیر زیان‌دیده، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۶.
- (۶) حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱، ج ۲۷.
- (۷) حلّی، مقداد بن عبدالله، ۱۴۰۴ق، تنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی، چ ۱، ج ۴.
- (۸) حلّی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵ق، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، چ ۱.
- (۹) حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، ۱۴۱۲ق، نکت النهایه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ج ۳.
- (۱۰) حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ج ۹.
- (۱۱) داورنیا، رحیم، ۱۳۸۵ش، مسئولیت مدنی قاضی در حقوق فرانسه، آمریکا و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۴.
- (۱۲) رحمانی، محمد و زروندی، نفیسه، ۱۳۹۲ش، تحلیلی بر جایگاه بیت‌المال از منظر فقه، مجله معرفت سیاسی، سال ۵، ش ۲.
- (۱۳) رحمان ستایش، محمد کاظم، ۱۳۷۵ش، دانشنامه جهان اسلام، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی)، چ ۲، ج ۱.
- (۱۴) رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۸۴ش، پژوهشی در بیت المال، فصلنامه فرهنگ جهاد، ش ۴۲.
- (۱۵) ساردوئی نسب، محمد، ۱۳۸۶ش، مبانی متفاوت مسئولیت مدنی عاقله، نامه مفید، ش ۶۴.
- (۱۶) صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ج ۳.





- (۱۷) طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ۱۴۱۸ق، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱، ج ۱۶.
- (۱۸) طرابلسی، عبدالعزیز، ۱۴۰۶ق، المذهب، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۲.
- (۱۹) طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۰ق، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ۲.
- (۲۰) -----، ۱۴۰۷ق، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۵.
- (۲۱) عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، بی تا، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۱، ج ۱۰.
- (۲۲) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲ش، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۴، ج ۱.
- (۲۳) کاتوزیان، ناصر، جنیدی، لعیان، ۱۳۸۰ش، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.
- (۲۴) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، چ ۱، ج ۱۴.
- (۲۵) گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۶ش، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱۰، ج ۱.
- (۲۶) نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم، دارالاحیاء التراث العربی، چ ۷، ج ۴۳.
- (۲۷) نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ق، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱.
- 28) Bridgman, Jo, (2007), Parental Responsibility Young Children and Healthy care Law, Cambridge.
- 29) Barrie, Peter, (2005), Personal Injury Law, second edition, Oxford.
- 30) Criminal Injuries Compensation Authority, Annual Report and Accounts 2012-13.
- 31) Deakin, Simon, Markesinis, Basil, (2008), Markesinis and Deakin's Tort Law, 6th Edition, Oxford.

- 32) Faure, Michael, (2009), The Law and Economics, Vol 1, Edward Edgar Publishing.
- 33) Harpwood, Vivienne, (2000), Principles of Tort Law, 4th Edition, Cavendish publishing.
- 34) Madden, M. Stuart, (2005), Exploring Tort Law, Cambridge University Press.
- 35) Moran, Michael, (2015), Politics and Governance in the UK, Macmillan International Higher Education.
- 36) Van Boom, Willem H, (2007), Tort and Insurance Law, Springer, Vol. 19.
- 37) Van Dam, Cees, (2006), European Tort Law, Oxford.
- 38) Viney, Genevieve, (2008), Introduction à la Responsibilite civile, Third Edition, LGDJ.



فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب سال پنجم - شماره یک - بهار ۱۳۹۹

